

معنی شعر کنار کادر صفحه ۹ فارسی هشتم

ای نام نکوی تو، سردفتر دیوان ها /// وی طلعتِ روی تو، زینت ده عنوان ها

معنی: ای خدایی که نام خوبت سر آغاز هر گفته و نوشته ای است؛ و ای کسی که دیدار جمالت زینت بخش هر کتابی است.

معنی کلمات:

طلعت: رخسار و چهره

زینت ده: زیبا کننده

دیوان: کتاب شعر

معنی شعر ستایش هشتم:

◆ ۱- به نام خداوند جان آفرین /// حکیم سخن در زبان آفرین

معنی: به نام خدایی که زندگی بخشید و قدرت سخن گفتن را به ما داد.

معنی کلمات:

جان آفرین زنده: کننده روح

حکیم: دانا، دانشمند

ارایه ادبی:

تلمیح ← اشاره به سوره الرحمن (انسان را آفرید و به او قدرت تکلم داد)
حذف دو فعل (آغاز می کنم) در مصراع اول و (است یا می باشد) در مصراع دوم
جان و زبان ← قافیه
آفرین ← ردیف

◆ ۲- خداوندِ بخشندهٔ دستگیر /// کریم خطا بخشِ پوزش پذیر

معنی: خدایی که همیشه با ماست و یاری رسان است و بخشنده و توبه پذیر است.

معنی کلمات:

کریم: بخشنده

دستگیر: یاری دهنده

خطا بخش: کسی که اشتباه ها را نادیده می گیرد
پوزش پذیر: قبول کننده عذر و پوزش

ارایه ادبی:

کنایه ← دستگیر کنایه از یاری دهنده است
واج آرایی ← صدای «ب» و حرف «ش»
دستگیر و پوزش پذیر ← قافیه

◆ ۳- پرستارِ امرش همه چیز و کس /// بنی آدم و مرغ و مور و مگس
معنی: تحت فرمان او است همه چیز . مثل انسان و پرنده و مورچه و مگس.

معنی کلمات:

پرستار : مطیع، فرمانبردار
مور : مورچه
بنی آدم : فرزندان حضرت آدم(در اینجا انسان ها)

ارایه ادبی:

بین مرغ، مور، مگس مراعات نظیر یا تناسب وجود دارد
بنی آدم و مرغ و مور و مگس مجاز جز به کل (از همه موجودات)
کس و مگس ← قافیه

◆ ۴- یکی را به سر، برند تاج بخت /// یکی را به خاک اندر آرد ز تخت
معنی: یکی را خوش بختی دهد و دیگری را از خوشبختی کنار گذارد.

معنی کلمات:

تاج بخت : تاج خوشبختی
برنهد : می گذارد
اندر آرد : به زیر می کشد
بخت : اقبال و خوشبختی

ارایه ادبی:

تلمیح: اشاره به سوره آل عمران آیه ی ۲۲ (حکومت و فرمانروایی را به هر کس بخواهد می دهد و از هر کس بخواهد می گیرد)

تاج بر سر نهادن ← کنایه از به بزرگی رساندن

از تخت به خاک آوردن ← کنایه از پست کردن

تخت و بخت ← قافیه

جناس ناقص ← بین «بخت و تخت» و «سر و بر»

تاج بخت (خوشبختی به تاج تشبیه شده: بخت مشبه و تاج مشبه به است)

◆ ۵- گلستان کند آتشی بر خلیل /// گروهی بر آتش برد ز آب نیل

معنی: او قادر است تا آتش را برای حضرت ابراهیم (ع) تبدیل به گلستان کند و کسانی را هم در زیر آب نیل فرو برد.

معنی کلمات:

خلیل: دوست، در این درس منظور حضرت ابراهیم (ع) است

گلستان شدن: سرد شدن

ارایه ادبی:

تلمیح ← مصراع اول اشاره به داستان عبور حضرت ابراهیم از آتش و مصراع دوم غرق شدن فرعونیان و داستان حضرت موسی

تضاد بین آب و آتش

از ← مخفف از

خلیل و نیل ← قافیه

◆ ۶- به درگاه لطف و بزرگیش بر /// بزرگان نهاده بزرگی ز سر

معنی: به خاطر لطف و بزرگی ای که او (خداوند) دارد، همه ی انسان های بزرگ، بزرگی و توان خود را از دست می دهند.

معنی کلمات:

درگاه: آستان، پیشگاه

لطف: مهربانی

بر: ببر (فعل امر)

ارایه ادبی:

از سر نهادن ← کنایه از فراموش کردن

تکرار واژه بزرگ

جناس ناقص اختلافی بین سر و بر

بر و سر ← قافیه

♦ ۷ - جهان مُتَّفِق بر الهیتش /// فرومانده از کُنهِ ماهیتش

معنی: جهان متفق هستند بر خدایی او و دنیا ناتوان مانده از یافتن ذات او.

معنی کلمات:

کُنه: حقیقت، ذات، ریشه، عمر

ماهیت: حقیقت، ذات، وجود، واقعیت

متفق: همراه بودن، اتفاق نظر داشتن

فروماندن: عاجز شدن، ناتوان شدن

ارایه ادبی:

فرومانده ← کنایه از ناتوانی

الهیتش و ماهیتش ← قافیه

جهان ← منظور انسان ها، مردم دنیا

می توان «الهیت و ماهیت» را قافیه و ضمیر پیوسته «ش» را ردیف در نظر گرفت

♦ ۸ - بشر، ماورای جلالش نیافت /// بَصَر، مُنتهای جمالش نیافت

معنی: انسان همچو او نیابد دیدگان ناتوان در یافتن انتهای جمال او.

معنی کلمات:

بشر: انسان

جمال: زیبایی

جلال: بزرگی و شکوه

بصر: چشم، بینایی

ماورا: بالاترین مقام، آنچه در پشت چیزی باشد
منتها: آخرین، پایان، آخر

ارایه ادبی:

قافیه ← جمالش (جمال او) و جلالش (جلال او)

ردیف ← نیافت

در دو کلمه «بَصَر» و «بشر» و نیز «جمال» و «جلال» جناس ناقص اختلافی
در این بیت آرایه موازنه (ترصیع) وجود دارد: همه کلمات در مصرع اول را می توان مقابل کلمات در مصرع دوم
قرار داد؛ مثال: بشر = بصر / ماورا = منتها / جلالش = جمالش / نیافت = نیافت

۹♦ - تأمل در آینه دل کنی /// صفایی به تدریج، حاصل کنی

معنی: نگاهی بر دل خود بیندازی او به تو صفا را عطا می فرماید.

معنی کلمات:

تأمل: تفکر

صفا: پاکی درون

به تدریج: کم کم

حاصل کنی: به دست می آوری

ارایه ادبی:

ضافه ی تشبیهی ← آیینۀ دل (دل به آینه تشبیه شده دل مشبه و آینه مشبه به)

دل و حاصل ← قافیه

کنی ← ردیف

۱۰♦ - مُحال است سعدی که راه صفا /// توان رفت جز بر پی مصطفی

معنی: راه حق راه حضرت محمد {ص} و جز راه حق او هیچ راهی حق نیست و تنها در این راه می توان رفت
نه راه دیگری.

معنی کلمات:

محال: غیرممکن

پی: دنباله رو

مصطفی: برگزیده؛ اینجا لقب حضرت محمد(ص) هست

ارایه ادبی:

قافیه ← صفا و مصطفی

سعدی ← تخلص شیخ مصلح الدین شیرازی است

////////////////////////////////////

معنی شعر بیش از اینها درس اول فارسی هشتم**درس اول : بیش از این ها صفحه ۱۲****۱- بیش از اینها، فکر می کردم خدا / خانه ای دارد میان ابرها****معنی:** قبل از این فکر می کردم که خداوند خانه ای در میان ابرها دارد.**بیش از اینها:** در گذشته**۲- مثل قصر پادشاه قصه ها / خشتی از الماس و خشتی از طلا****معنی:** آجرهای خانه اش مانند کاخ پادشاهان قصه ها از الماس و طلاست.**خشت:** آجر**۳- پایه های برجش از عاج و بلور / بر سر تختی نشسته با غرور****معنی:** پایه های برج خدا از عاج و بلور درست شده است و با غرور بر روی تخت پادشاهی نشسته است.**پایه:** ستون**عاج:** استخوان فیل که گران قیمت است و در ساختن اشیای تزیینی به کار می رود**۴- ماه، برق کوچکی از تاج او / هر ستاره، پولکی از تاج او****معنی:** ماه در اصل برق کوچکی از تاج خداست. و ستاره ها پولک های تاج خداوند هستند.**۵- رعد و برق شب، طنین خنده اش / سیل و طوفان، نعره توفنده اش****معنی:** رعد و برق صدای خنده خداست. و سیل و طوفان ناشی از فریاد بلند اوست.**طنین:** صدا، آواز**توفنده:** غوغا کننده، ویران کننده

۶- هیچ کس از جای او آگاه نیست / هیچ کس را در حضورش راه نیست
معنی: کسی از جای او خبر ندارد و کسی اجازه حضور در دربار او ندارد.

۷- آن خدا بی رحم بود و خشمگین / خانه اش در آسمان، دور از زمین
معنی: آن خدای ذهنی من خشن و غضبناک بود و خانه اش در بالای آسمان دور از زمین بود.

۸- بود، اما در میان ما نبود / مهربان و ساده و زیبا نبود
 وجود داشت ولی بین ما نبود. مهربان و ساده و قشنگ نبود

۹- در دل او، دوستی جایی نداشت / مهربانی هیچ معنایی نداشت
معنی: دوستی و رفاقت در دلش جایی نداشت. محبت و مهربانی هیچ معنایی نداشت

۱۰- هر چه می پرسیدم از خود از خدا / از زمین از آسمان از ابرها
معنی: هر چه قدر از خودم درباره خدا می پرسیدم و از زمین و آسمان و ابرها.

۱۱- زود می گفتند: «این، کار خداست / پرس و جو از کار او کاری خطاست»
معنی: می گفتند این کارها کار خداست. تحقیق و پرس و جو از خدا کاری بیهوده است.

۱۲- نیت من در نماز و در دعا / ترس بود و وحشت از خشم خدا
معنی: به نیت ترس و وحشت از خشم خدا نماز می خواندم و دعا می کردم.
 نیت: قصد، هدف

۱۳- پیش از اینها، خاطرم دلگیر بود / از خدا در ذهنم این تصویر بود
معنی: قبل از این در فکرم از خدا ناراحت بودم و این تصویرها در ذهنم از خدا بود.

۱۴- تا که یک شب، دست در دست پدر / راه افتادم به قصد یک سفر
معنی: تا این که یک شب دستم در دست پدرم بود به قصد و نیت سفری به راه افتادیم

۱۵- در میان راه، در یک روستا / خانه ای دیدیم، خوب و آشنا
معنی: در بین راه در روستایی خانه قشنگ و آشنا دیدیم

۱۶- زود پرسیدم: «پدر، اینجا کجاست؟» / گفت: «اینجا خانه خوب خداست»
معنی: فوراً از پدرم پرسیدم اینجا کجاست؟ پدرم گفت: اینجا خانه خداست.

۱۷- گفت: «اینجا می شود یک لحظه ماند / گوشه‌ای خلوت، نمازی ساده خواند

معنی: پدر گفت: مدتی اینجا می مانیم و در گوشه ای نماز خواند.

۱۸- با وضویی دست و رویی تازه کرد / با دل خود گفت و گویی تازه کرد»

معنی: با وضو گرفتن دست و رو را تازه و شاداب کرد. با دل خود گفتگویی جدید آغاز کرد.

۱۹- گفتمش: «پس آن خدای خشمگین / خانه اش اینجا است؟ اینجا در زمین؟»

معنی: به پدر گفتم: آن خدای خشمگین ذهن من خانه اش اینجا قرار دارد؟

۲۰- گفت: «آری خانه او بی ریاست / فرش هایش از گلیم و بوریاست

معنی: گفت: بله خانه اش ساده و بی ریاست. فرش هایش از گلیم و بوریا پوشیده شده است.

۲۱- مهربان و ساده و بی کینه است / مثل نوری در دل آینه است

معنی: خداوند با محبت و بی ریا و بی انتقام جو است و مانند نوری است که در وجود آینه قرار دارد.

۲۲- عادت او نیست خشم و دشمنی / نام او نور و نشانش روشنی»

معنی: خداوند اهل غضب و دشمنی و ورزیدن نیست. و وجود خدا سراسر نور و روشنی است.

۲۳- تازه فهمیدم: خدایم این خداست / این خدای مهربان و آشناست

معنی: الان فهمیدم خدای واقعی این خدا با همین ویژگی هاست..خدایی که مهربان و نام آشناست.

۲۴- دوستی از من به من نزدیک تر / از رگ گردن به من نزدیک تر

معنی: این خدا دوست من است و از رگ گردن به من نزدیک تر است.

۲۵- می توانم بعد از این، با این خدا / دوست باشم، دوست، پاک و بی ریا

معنی: من می توانم از این به بعد با خدا به شکلی پاک و بی ریا دوست باشم.

معنی کلمات بیش از اینها درس ۱ فارسی هشتم

طلعت: رخسار و چهره

زینت ده: زیبا کننده

دیوان: کتاب شعر

گلستان شدن: سرد شدن

جان آفرین: زنده کننده روح

حکیم: دانا، دانشمند

کریم: بخشنده

دستگیر: یاری دهنده

پرستار: مطیع، فرمانبردار

مور: مورچه

تاج بخت: تاج خوشبختی

برنهد: می گذارد

اندر آرد: به زیر می کشد

بخت: اقبال و خوشبختی

درگاه: آستان، پیشگاه

لطف: مهربانی

بر: ببر (فعل امر)

منتها: آخرین، پایان، آخر

بشر: انسان

جمال: زیبایی

جلال: بزرگی و شکوه

بصر: چشم، بینایی

تأمل: تفکر

صفا: پاکی درون

به تدریج: کم کم

حاصل کنی: به دست می آوری

محال: غیرممکن

پی: دنباله رو

پیش از اینها: در گذشته

خشت: آجر

پایه: ستون

طنین: صدا، آواز

خطا: اشتباه

نیت: قصد، هدف

بی ریا: ساده، بدون ناپاکی

گلیم: نوعی فرش

غلام: خدمتکار

ارباب: صاحب، رئیس

انبوه: زیاد، فراوان

فروماندن: عاجز شدن، ناتوان شدن

پوزش: پذیر قبول کننده عذر و پوزش

توفنده: غوغا کننده، ویران کننده

گُنه: حقیقت، ذات، ریشه، عمر

بوریا: حصیری که از نی می بافند

ماهیت: حقیقت، ذات، وجود، واقعیت

متفق: همراه بودن، اتفاق نظر داشتن

خطا بخش: کسی که اشتباه ها را نادیده می گیرد

بنی آدم: فرزندان حضرت آدم (در اینجا انسان ها)

ماورا: بالاترین مقام، آنچه در پشت چیزی باشد

مصطفی: برگزیده؛ اینجا لقب حضرت محمد (ص) هست

خلیل: دوست، در این درس منظور حضرت ابراهیم (ع) است

عاج: استخوان فیل که گران قیمت است و در ساختن اشیای تزیینی به کار می رود

به قول پرستو: قیصر امین پور | صفحه ۱۲

شاعر: قیصر امین پور

قالب شعر: مثنوی

آثار: به قول پرستو



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد